

سکسیسم در طنز، جلوه ای از خشونت روانی علیه زنان

مهرداد درویش پور

سکسیسم همچون راسیسم بر نوعی جداسازی و تفکیک نقش های جنسیتی، دوانگاری، تحقیر و تبعیض سیستماتیک "دیگری" استوار است که فرادستی گروهی را همچون هنجار و فرودستی "دیگری" را همچون گروهی "متفاوت" در نظام قدرت سامان می دهد. در سکسیسم، مرد مظهر آدمیت، هنجار جامعه، جنس برتر و نماد اقتدار به شمار می رود و زن همچون آن دیگری، فرودست، "نیمه دیگر" و بیشتر "ابژه ای جنسی" است

واکنش گسترده به طنزهای سکسیستی (جنسیت گرایانه) در ایران که به تازگی در شبکه های مجازی و اجتماعی بالا گرفته است، بار دیگر اهمیت بررسی این پدیده را همچون نمادی از مردسالاری و خشونت روانی علیه زنان برجسته کرده است. اشارات "طنز آلود" یکی از روزنامه نگاران ایرانی درباره «کلودیا رومانی» مدل ایتالیایی که قرار است به عنوان اولین داور زن ایتالیا در رقابت های لیگ حرفه ای مردان ظاهر شود، اگرچه با استقبال هزاران نفر در شبکه های اجتماعی روبرو شد، اما واکنش تند بسیاری را نیز در بر داشت. بسیاری طنز پرداز را به دلیل نوع پوشش و ظاهر داور زن به نگارش "ادبیاتی مشمئزکننده از تجاوز" متهم کردند. گروهی دیگر با چاپ عکس کلادیا رومانی که بر روی آن نوشته شده "این تنها یک لباس است، بله نیست"، بر ضرورت رویارویی با سکسیسم تاکید کرده و در اعتراض به طنز پرداز نوشته اند که "به این گونه افراد نخندیم، اعتراض کنیم". همچنین بسیاری برنامه اخیر "طنز آلود" مکس امینی در صدای آمریکا و شوخی های مجری برنامه آئین شوهر یابی و شوهر داری زنان، استفاده از واژه هایی چون "ترشیده"، اشاره به توجه زنان به حساب بانکی مردان همچون مهمترین معیار موفقیت در انتخاب شوهر و... را نشانه ای از تحقیر و تمسخر زنان و سکسیسم خوانده و خواستار تحریم این برنامه شده اند. مدافعان این گونه شوخی ها و طنزها اما، این گونه "حساسیت" را نسبت به یک "شوخی جنسی" زیاده روی فمینیستی خوانده و آنان را به رفتار پلیسی در وادار کردن افراد به سانسور زبان و افکار خود متهم ساخته و مدعی اند مبارزه با سکسیسم به تدریج به تقبیح شوخی و لذت جویی جنسی منجر شده است. این نوشته نگاهی کوتاهی به مضمون ادبیات سکسیستی در بازتولید

مردسالاری و چرایی گسترش واکنش‌ها می‌پردازد.

تبعیض و برتری جویی جنسیتی، شالوده سکسیسم

سکسیسم (جنسیت پرستی، جنسیت گرایی) شالوده اقتدار مردسالاری و ایدئولوژی مشروعیت بخشنده به روابطی است که در آن مردان موقعیتی فرادست و زنان موقعیتی فرو دست می‌یابند. واژه سکسیسم که توسط جنبش زنان در دهه شصت و هفتاد میلادی از تبار شناسی واژه راسیسم (نژادگرایی و نژادپرستی) الهام گرفته شده، تأکیدی است بر این که نظام نابرابر جنسیتی قدرت محصول فرایندی "طبیعی" نبوده، بلکه محصول تبعیض ساختاری است. به عبارت روشن‌تر سکسیسم همچون راسیسم بر نوعی جداسازی و تفکیک نقش‌های جنسیتی، دوانگاری، تحقیر و تبعیض سیستماتیک "دیگری" استوار است که فرادستی گروهی را همچون هنجار و فرودستی "دیگری" را همچون گروهی "متفاوت" در نظام قدرت سامان می‌دهد. در سکسیسم، مرد مظهر آدمیت، هنجار جامعه، جنس برتر و نماد اقتدار به شمار می‌رود و زن همچون آن دیگری، فرودست، "نیمه دیگر" و بیشتر "ابژه ای جنسی" است. هم‌از این رو فمینیستها و طرفداران برابری جنسیتی تأکید می‌ورزند تغییر مردسالاری تنها در گرو تغییر روابط و ساختار موجود نبوده بلکه نیازمند نقد نقش‌های جنسیتی "زنانه" و "مردانه" و سکسیسم همچون ایدئولوژی تبعیض جنسیتی است. مردانگی محافظه‌کار و اقتدار گرا، اما مبارزه علیه سکسیسم را تهدیدی علیه خود دیده و آن را مترادف مرد ستیزی خوانده و حتی برخی، از فمینیست‌ها به عنوان "فمینازی" (فمینیست‌های "نازی صفت") نام برده‌اند که می‌خواهند "مردان را به دریا بیززند". در میان ایرانیان حتی یکی از روشنفکران پرآوازه ایرانی مدتها پیش گروهی از فمینیست‌ها را "فمینیسم خون آشام" نام نهاده بود!

سکسیسم در زبان، خشونت روانی علیه زنان

در غرب زمان طولانی است که سکسیسم، آماج حملات تمامی طرفداران برابری زنان و مردان قرار گرفته است. بهبود یافتن موقعیت زنان در خانواده، در روابط جنسی و سکسوالیته، در نظام تحصیلی و آموزش، در بازار کار و اقتصاد، در حوزه مشارکت سیاسی و اجتماعی، در قوانین حقوقی و در پی کاهش شکاف جنسیتی، نقش مهمی در چالش سکسیسم و نقش‌های "مردانه" و "زنانه" داشته است. علاوه بر آن، سکسیسم در فرهنگ، ادبیات و زبان روزمره، ضرب‌المثل‌ها، طنزها، جوک‌ها و جملات قصار نیز مورد نقد قرار گرفته است. گسترش آگاهی جنسیتی و ضد

تبعیض که نقش مهمی در این گونه نقد ها و "حساسیت ها" داشته، به نوبه خود مشروعیت سکسیسم را بیش از پیش به زیر پرسش برده است. ادبیات، واژه ها و مفاهیمی سکسیستی که زنانگی را با جنس دوم، ابژه جنسی و موجودی "عجیب و متفاوت" توضیح داده و موضوع آن تحقیر، تمسخر و آزار جنسی و روانی زنان است، نوعی اعمال خشونت روانی است که به قصد تحکیم سلطه مردان اعمال می شود. زبان، کلام و ادبیات، پدیده ای منفعل و صرفاً "بازتابی" از روابط اجتماعی نیست، بلکه خود در بازتولید و مشروعیت بخشیدن به آن روابط نقش مهمی دارد. هم از این رو نقد زبان، ادبیات و واژه های سکسیستی بخشی از مبارزه مبارزه علیه سکسیسم و تامین برابری زنان و مردان است. سکسیسم تنها زنان را آماج حملات خود قرار نمی دهد، بلکه مردانی را که از الگوهای رایج مردانگی پیروی نمی کنند، نیز آماج حملات خود قرار می دهد. در زبان فارسی واژه هایی نظیر "نامرد"، "بی غیرت"، "ضعیفه"، "اوا خواهر"، "فاحشه" و... از جمله کلمات سکسیستی برای تحقیر زنان و مردان است که با هنجارهای مورد نظر خوانایی نمی یابند.

سکسیسم در طنز، عریانی و واقعیت تبعیض

بسیاری اما شوخی، متلک و جوک ها را فاقد آن بار ارزشی می دانند که آن را بتوان نمادی از سکسیسم در کلام و ادبیات خواند. این ادعا اما بسیار مسئله برانگیز است. شوخی، متلک، جوک و طنز مستقل از ارزش ادبی و هنری و یا مبتذل بودن آن، بخشی از فرهنگ عامه در یک جامعه را به نمایش می گذارد. هم از این رو جوک ها، متلک ها و شوخی هایی که به تحقیر زنان، اقلیت های قومی، همجنس گرایان و دیگر گروه های فرودست در نظام نابرابر قدرت می پردازد، مستقل از این که شفاهی و یا کتبی اند، مبتذل و ضمخت و یا ملیح و شیرین اند، جلوه ای از باورهایی هستند که نابرابری قدرت را با استفاده از مزاح و "لطافت زبانی" (لطیفه) مشروعیت بخشیده و به تبعیض و تحقیر گروهی، مشروعیت می بخشد. در حالیکه در جوک های قومی، معمولاً بلوغ فکری برابر گروه های قومی "دیگر" به تمسخر گرفته و انکار می شود، در جوک ها و لطیفه ای جنسیتی، معمولاً سکسوالیته زنان مورد هجو قرار می گیرد. نگاهی به جوک هایی که در آنها مردان گیلان زمین به عنوان "بی غیرت" و زنان به عنوان "ابژه جنسی ای" در دسترس همگان معرفی می شوند، اوج انحطاط اندیشه سکسیستی و مردسالارانه را نسبت به زنان و مردان در خطه ای از ایران که از قضا زنان در آنجا معمولاً با توان و جسارت بیشتری در جامعه حضور

دارند و مردان به تبع آن از تعصبات مردسالارانه کمتری برخوردارند
را به نمایش می گذارد.

گسترش چالش سکسیسم در ایران

اما پرسش این جا است که اگر در جوامع غربی، افزایش قدرت زنان در مشروعیت زدایی از سکسیسم در کلام و روابط اجتماعی نقش کلیدی داشته است، چگونه به رغم گستردگی و عمق نابرابری جنسیتی در ایران که بنا بر گزارش امسال "مجمع جهانی اقتصاد" جزو شش کشور بدتر جهان شده است، چالش و نقد سکسیسم گسترش یافته است؟ به گونه ای که خوشبختانه این نقدها دیگر تنها به محافل روشنفکری محدود نیست، بلکه همچون "سکسیسم: دوازده روایت شخصی" در بی بی سی در رسانه های پر مخاطب نیز به چشم می خورد. این واقعیت است که سطح آموزش زنان به رغم سیاست رسمی بالا رفته است. همچنین زنان اصلی ترین قربانی تجربه دردناک حکومتی هستند که سکسیسم و زن ستیزی ایدئولوژی رسمی آن است. علاوه بر آن زنان به ویژه در نسل جوان تحت تاثیر مبارزات خود، مهاجرت میلیونی ایرانیان و روند جهانی شدن از آگاهی ضد تبعیض جنسیتی بیشتری برخوردار شده اند. این همه توضیح دهنده آن است که چگونه در عرصه ادبیات و هنر، اندیشه و مبارزات اجتماعی، گفتمان فمینیستی و آگاهی جنسیتی رشد یافته است. امری که "حساسیت" به سکسیسم را در زندگی روزمرده نیز بالا برده و آنرا از گزند نقد خود در امان نمیگذارد.

این مقاله نخستین بار در سایت بی بی سی منتشر شد.